

تاریخ گیلان

فرهاد نجفی اصلی پاشاکی
کارشناس جغرافیا (برنامه‌ریزی روستایی)



تاریخ گیلان؛ رویدادهای گیلان در سده‌های دهم و یازدهم هجری
نویسنده: عبدالفتاح فومنی گیلانی
مصحح: افشین پرتو
ناشر: رشت، فرهنگ ایلیا، چاپ اول، ۱۳۹۰، ۲۷۰ صفحه

مقدمه

سرزمین گیلان با پیشینه‌ی تاریخی خود، در طول قرون و اعصار، از موج وقایع و جریان‌های تاریخی که دامنگیر پهنه‌ی وسیع ایران شده، برکنار نبوده است؛ جریان‌هایی که گاه به طور مستقیم و گاه غیرمستقیم بر این ایالت تاثیرگذار بوده است.

تاریخ گیلان، در طول تاریخ شاهد شکل‌گیری و زوال حکومت‌های محلی متعددی بوده است. این حکومت‌ها گاه پیرو حکومت مرکزی ایران بودند و در مواردی نیز از سرسپردن به قیمومت حکومت مرکزی شانه خالی می‌کردند. در حالی که این حکومت‌ها از حضور رقبای محلی نیز مصون نبودند. منطقه‌ی گیلان به دو منطقه‌ی بیه‌پس و بیه‌پیش (دو منطقه در شرق و غرب سفیدرود) تقسیم می‌شد. در هر منطقه، یک والی حکومت می‌کرد که علاوه بر این که پذیرش قیمومت حکومت مرکزی را بر خود لازم نمی‌دید، همواره با دیگری نیز در حال زد و خورد بود. گیلان دوره‌ی صفویه نیز درگیر همین رقابت حکومت‌های محلی بود تا این که در دوره‌ی شاه طهماسب صفوی، والیان بیه‌پس و بیه‌پیش، منقاد حکومت مرکزی صفوی شدند.

عبدالفتاح فومنی گیلانی، مؤلف کتاب تاریخ گیلان

درباره‌ی زندگی عبدالفتاح فومنی اطلاعات زیادی در دست نیست. آنچه از گذشته به ما رسیده، مختصری از کلیات زندگی وی است. ملا عبدالفتاح فومنی گیلانی، چنان که از نام او می‌توان دریافت، در فومن زاده شد و به «قاضی فومنی» نیز شهره بود. او از دهقانان شهر فومن بود و در این شهر روزگار می‌گذرانید. از منابع چنین برمی‌آید که وی در زمره‌ی کارگزاران دربار شاه عباس صفوی بوده^۱ و به مدت چهارده سال، مأمور تنقیح محاسبات گیلان بیه‌پس (فومن) بوده است.^۲ هنگامی که گیلان به تصرف شاه عباس اول درآمد، عاملان وی در گیلان بر مردم سخت گرفتند و به غارت و چپاول پرداختند. شاه عباس در صدد چاره‌جویی برآمد و دستور عزل بهزاد بیگ و تمام افرادی را که در رأس امور محاسباتی گیلان بودند، صادر نمود.^۳ سپس عبدالفتاح فومنی را به همراه چند نفر دیگر به این کار گماشت. عبدالفتاح فومنی درباره‌ی این دستور شاه عباس چنین نوشته است: «از فرح‌آباد جنت بنیاد رقم صدور یافته بود که تنقیح محاسبات چهارده‌ساله بیه‌پس را به عهده‌ی خواجه حسین، کلانتر رشت و ملا خواجه‌علی رشتی و ملا عبدالفتاح فومنی کرده‌ایم و ارقام را از مازندران به جهت لطیف‌خان بیگ فرستاده مومی‌الیه رقم را به اسم مؤلف این مؤلف گذاشته بود. به آدم خود داده و به

کتاب تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی گیلانی دربرداندهی اطلاعاتی از وضعیت تاریخی و فرهنگی مردم گیلان در دوره‌ی صفویه است

محمد بیگ، کلانتر فومن و برادران و ملا حامد شیخ‌الاسلام و ملا عبدالله و محمد مسعود، پسر سپه‌سالار بوسعید میر فومنی و مؤلف تاریخ، عبدالفتاح، همگی زن و فرزندان و همراهان را برداشته و راهی عراق^۶ شدند.

در مورد باقی عمر عبدالفتاح فومنی اطلاعات دیگری بر جای نمانده است. در یکی از نسخه‌های موجود از کتاب تاریخ گیلان، یادداشتی از عبدالفتاح در صفحه‌ی آخر وجود دارد. این نسخه که در کتابخانه‌ی ملی ملک نگهداری می‌شود، دربرگیرنده‌ی نام فرزندان مؤلف است؛ عبدالفتاح نام دو دختر خود، نرگس‌خاتون و حبیبه خانم را به همراه نام یک پسر خود، میرزا احمدعلی، به همراه تاریخ تولد آن‌ها در صفحه‌ی آخر کتاب نگاشته و این کتاب را به آن‌ها هدیه داده است.^۷

تصحیح‌های موجود از کتاب تاریخ گیلان

از کتاب تاریخ گیلان، تألیف عبدالفتاح فومنی تاکنون سه تصحیح صورت گرفته که در این بخش، شرح مختصری درباره‌ی تصحیح‌های صورت گرفته و ویژگی‌های هر نسخه ارائه خواهد شد.

تصحیح دکتر منوچهر ستوده: دکتر ستوده یکی از گیلان‌شناسان بنام است. وی

فومن جهت فقیر فرستاده، حسب فرمان بنده را به لاهیجان احضار کرده‌اند.^۸ با توجه به این نوشته و بنا بر عقیده‌ی تعدادی از نویسندگان، در این زمان عبدالفتاح فومنی دارای نام و آوازه‌ای بوده و هم در میان گیلانیان و مردم بیه‌پس و هم در نزد دربار صفوی شناخته شده بوده که شاه عباس صفوی، نامه را به اسم او می‌نگارد و دستور نگارش صورت‌های مالی گیلان را به نام او صادر می‌کند.^۹ به هر حال او تا سال ۱۰۲۲ ه.ق. در گیلان حضور داشته است. اما از این سال است که «عبدالفتاح اهل و عیال و متعلقان را برداشته و به طرف عراق متوجه گردید»^{۱۰} و از این زمان است که دیگر از زندگی وی، اثر و نشانه‌ای در دست نیست. علت کوچیدن او از گیلان و دلیل رهسپار شدنش به سوی عراق (که در این‌جا منظور از عراق هم معلوم نیست کدام سرزمین بوده است، شاید قزوین)، خیزش مردم گیلان به رهبری عادل‌شاه عنوان شده است.

دکتر منوچهر ستوده در مقدمه‌ی کتاب تاریخ گیلان، از زبان خود عبدالفتاح، دلیل این کوچ را این‌گونه می‌نویسد: «روز سه‌شنبه آخر ماه شعبان ۱۰۳۸ عادل‌شاه به همه‌ی همراهان خود که ده‌هزار نفر می‌شدند، به آهنگ دستیابی و تصرف فومن از رشت به آن سوی روانه گشت و عصر همان روز وارد فومن گردید و چون



گنبد پیر محله - حسن سرا

تاریخ گیلان

در یک نگاه کلی می‌توان چند ویژگی بارز در این تصحیح یافت که کار مطالعه‌ی کتاب را برای کسانی که با زبان محلی گیلان (گیلکی) ناآشنا هستند و حتی اطلاعات تاریخی و جغرافیایی چندانی نسبت به این خطه‌ی سرسبز ندارند، آسان می‌سازد

مناسب صحبت خواهد شد. از کتاب تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی در حال حاضر چند نسخه در دست است که مصحح خود را از بازدید و بازنگری این نسخه‌ها بی‌نیاز ندیده است، بنابراین در این قسمت، اطلاعاتی درباره‌ی نسخه‌های موجود، در اختیار خوانندگان و علاقه‌مندان قرار می‌گیرد:

- ۱- نسخه‌ای که برنهارد دارن بر پایه‌ی آخرین تصحیح آخوند ملاجعفر اهری انجام داده، و این همان نسخه‌ای است که مبنای کار دکتر پرتو در تصحیح اثر بوده است. این نسخه ۳۳۴ صفحه دارد و داری یک مقدمه به زبان آلمانی و صفحه‌ی اصلاحات و فهرست گفتارها و فهرست اعلام است. اطلاعات مربوط به محل نگهداری آن، پیش‌تر ذکر شد.
- ۲- نسخه‌ای که در کتابخانه‌ی مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، به شماره‌ی ۴۰۱۶ موجود است. به خط نستعلیق و شکسته است و کتابت آن توسط میرزا رضی تفرشی‌الاصل که در گیلان ساکن بوده، در سال ۱۳۱۰ هـ. انجام شده است.
- ۳- نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملک به شماره‌ی ۳۷۷ به خط نستعلیق و شکسته. چند صفحه‌ی اول و انتهایی این نسخه موجود نیست.
- ۴- نسخه‌ای به نام فتوحات دارالمرز شاه عباس، که در کتابخانه‌ی ملی ملک به شماره‌ی ۴۱۴۷ و به خط نستعلیق موجود است.
- ۵- نسخه‌ی خطی که پیش‌تر در کتابخانه‌ی دبیرستان شاهپور رشت (دکتر بهشتی امروز) موجود بود.
- ۶- نسخه‌ای چاپی از روی همین نسخه‌ی کتابخانه‌ی دبیرستان شاهپور رشت که در سال ۱۳۱۴ انجمن سالنامه و تألیفات این دبیرستان، در چاپخانه‌ی رشت، نسخه‌ای از آن را به چاپ رساند.

بررسی محتوای کتاب

کتاب تاریخ گیلان که وقایع گیلان را در سال‌های ۱۰۲۸-۹۲۳ ق. یعنی مدت ۱۱۵ سال در بر می‌گیرد، شامل یک مقدمه و دو فصل است که در ادامه به معرفی هر کدام از قسمت‌ها می‌پردازیم.

عبدالفتاح فومنی نگارش اثر خود را با نام خداوند بلندمرتبه و بعد با ذکر نام پیامبر و امام علی (ع) و فرزندان گرامی‌اش آغاز کرده و با اشعاری، بلندی و بلندمرتبی آن‌ها را مورد تأکید قرار داده است.

عبدالفتاح در مقدمه، با ذکر دلیل نگارش کتاب تاریخ گیلان، انگیزه‌ی کار خود را چنین بیان کرده است: «اما بعد، بر ضمیر اکسیر تأثیر ارباب خیرت و اصحاب بصیرت پوشیده نماناد که درین پنجاه سال که مملکت معموره‌ی دارالمرز به تصرف سلاطین اسحاقیه درآمد، فترات و انقلابات و هجوم و ازدحام عوام کالانعام بل هم اضل سهیلاً مثل فتور غریب شاه مشاهده شده بود. این فقیر بی‌بضاعت عبدالفتاح فومنی را که به گوشه‌ی

در سال ۱۳۴۹ ش. نسخه‌ی اصلی کتاب تاریخ گیلان را تصحیح کرده و به چاپ رسانیده است. روش کار دکتر ستوده در تصحیح این نسخه، به این صورت بوده است که مصحح، بخش اعظم کتاب، یعنی ۲۸۷ صفحه را به متن تصحیح‌شده اختصاص داده و در ۴۸ صفحه، به مقایسه‌ی دو نسخه‌ی خطی که در اختیار وی قرار داشته، مبادرت کرده است. حاصل کار دکتر ستوده، توسط بنیاد فرهنگ ایران انتشار یافت.

تصحیح عطااله تدین: این اثر با عنوان تاریخ گیلان و نقش گیلان در نهضت مشروطیت ایران توسط عطااله تدین در سال ۱۳۵۳ ش. و توسط انتشارات فروغی به چاپ رسیده است. همان‌طور که از نام این اثر برمی‌آید، کتاب از دو بخش تشکیل شده است؛ بخش اول با عنوان تاریخ گیلان، همان اثر عبدالفتاح فومنی است که تدین آن را تصحیح و چاپ کرده است.

تصحیح دکتر افشین پرتو: آخرین تصحیحی است که بر کتاب تاریخ گیلان انجام گرفته است. مبنای کار پرتو در تصحیح این اثر، نسخه‌ای بوده که برنهارد دارن بر پایه‌ی آخرین تصحیح ملا محمد جعفر اهری در آکادمی سلطنتی پترزبورگ در سال ۱۲۷۴ هجری به چاپ رسانده است. نمونه‌ای از این کار، در کتابخانه‌ی موزه‌ی اشمولین در آکسفورد انگلستان نگهداری می‌شود. (ص ۱۶)

افشین پرتو درباره‌ی سبک کار خود در تصحیح این اثر، در مقدمه‌ی کتاب چنین نوشته است: «نوشته‌ی ملا عبدالفتاح نثری سست دارد و به گمان در بازنویسی آن توسط ملاجعفر اهری واژگان و گاه عباراتی به متن اضافه شده که نه تنها کمکی به دریافت صحیحی از مفاهیم موجود در متن نمی‌کند، بلکه سبب تشتت افکار خواننده کتاب نیز می‌گردند. در نتیجه بایسته بوده که متن مزبور از آن واژه‌ها و عبارات پیراسته گردد.» (ص ۱۷)

بنابراین چنان‌چه از متن مزبور برمی‌آید، مصحح با توجه به نسخه‌ی در اختیار داشته و هم‌چنین با توجه به تصحیح‌هایی که پیش از این، از این کتاب صورت گرفته، سبکی را برای تصحیح کار برگزیده که تا این زمان، کامل‌ترین و شاید کم‌نقص‌ترین نوع تصحیح باشد.

البته نباید از نظر دور داشت که تصحیح متونی که درباره‌ی تواریخ محلی و البته توسط نویسندگان محلی نگاشته شده‌اند، دارای مشکلاتی از قبیل عدم آشنایی مصحح به زبان نویسنده اثر نیز هست، و این دقیقاً همان موضوعی است که درباره‌ی کتاب تاریخ گیلان نیز عمومیت می‌یابد. متن نگاشته شده توسط عبدالفتاح فومنی، چنان‌که از جای جای کتاب نیز برمی‌آید، دارای عبارات، اصطلاحات و نام‌های گیلکی است و از آن‌جا که افشین پرتو نیز گیلانی است، آشنایی او با زبان گیلکی، در ابهام‌زدایی از بسیاری از لغات، یاری‌رسان بوده است. درباره‌ی مزیت‌های این تصحیح و هم‌چنین ویژگی‌های اثر، در قسمت

دهقانی به عزلت و انقطاع به سر می‌برد، به خاطر فطور خطور نمود که قضیه‌ی مذکوره را به نوعی که سانج شده بود، تألیف نماید و چون واقعات مذکوره حسب‌الواقع به تحریر واقع نشده بود، به فکر آن افتاد که شمه‌ای از حالات ملوک و سلاطین مازندران و گسکر و آستارا و لنگرکنا، را که در عصر و زمان تسلط و استیلای سلاطین صفویه وقوع رسیده، بیان سازد، تا معلوم شود که چگونه انقراض دولت ایشان شده...» (ص ۲۸) بنابراین دغدغه‌ی نگارش تاریخی که بیان‌کننده‌ی وقایع حدود نیم قرن فرمانروایی آل اسحاق^۱ بر نواحی بیه‌پس گیلان تا زمان انقراض این حکام باشد، او را به نگارش این اثر ترغیب نموده است.

فصل اول، شامل ۳۶ گفتار است، مشتمل بر شرح ماجرای وقایع مربوط امیر دیباج، والی بیه‌پس و رفتن او به بارگاه شاه اسماعیل صفوی و دریافت لقب «مظفرالسلطان» از سوی او و بازگشتش به گیلان، بیان احوال خان احمدخان کیایی، والی بیه‌پس و ذکر اختلاف وی با دربار شاه طهماسب صفوی و دستگیری وی توسط عمال شاه طهماسب و فرستادن او به زندان قهقهه و از آن جا به قلعه‌ی اصطخر فارس (که در این قلعه مدت دوازده سال را به عنوان زندانی سپری نمود) و بعد استخلاص او از بند، قیام شیرزاد خان ماکلوانی در ۹۸۹ق. و وقایع دیگر که در این فصل به آن‌ها پرداخته شده است. به طور کلی، این فصل بیانگر اتفاقات دوره‌ی خاندان اسحاقی است.

فصل دوم در ۳۳ گفتار آمده است. در این فصل، تیرگی روابط خان احمدخان و دربار شاه عباس، و گریختن خان احمدخان به روم (قسطنطنیه)، سرگذشت خواجه مسیح، وزیر معزول خان احمدخان، شوریدن طالشه کولی در ۱۰۰۳ق، قیام کارکیا علی حمزه در ۱۰۰۴ق. در لشت نشاء و تحت انقیاد درآمدن گیلان به زیر فرمان دولت صفوی در زمان شاه عباس اول صفوی در تاریخ ۱۰۰۶ق، و بعد از آن تبدیل شدن گیلان به املاک خاصه‌ی دربار صفوی و... .

از همه مهم‌تر، آن چه از این فصل می‌توان برگرفت، اطلاعاتی ارزشمند از نحوه‌ی اداره‌ی گیلان بعد از عزل و فرار احمدخان است. بعد از این که گیلان به صورت املاک خاصه درآمد، وزارت و حکومت گیلان به میرزا محمد شفیع، ملقب به «میرزای عالمیان» سپرده شد و او تصدی امور رشت و کوچصفهان و شفت و تولم و ماسوله و پشتکوه را به بهزاد بیگ سپرد و امور فومن را به اصلان بیگ گذارد. برعکس بهزاد بیگ، اصلان بیگ بنای ظلم و تعدی به مردم فومن را گذاشت و این اوضاع موجب نارضایتی مردم ایجاد شد و به قیام‌هایی در این ناحیه انجامید که از آن جمله، قیام کارکیا فتحی نام فومنی بود که شرح این قیام توسط عبدالفتاح فومنی آورده شده است. از موضوعات پایانی کتاب تاریخ گیلان، قیام عادل‌شاه در زمان شاه صفی است و تدارک حکومت مرکزی برای سرکوب این قیام.

بخش دیگر این کتاب، پیوستی است که مصحح تنظیم کرده و سه قسمت را در بر می‌گیرد:

(الف) اولین قسمت این بخش شامل ۴۴ نقشه از نقاط مختلف گیلان است.

(ب) بخش دوم ۳ عکس مربوط به آثار بر جای مانده از آثاری که در کتاب نام آن‌ها رفته است؛ قلعه‌ی قهقهه، قلعه‌ی رودخان فومن و پل تاریخی لیشاوندان.

(ج) بخش آخر از این پیوست، شامل دو تبارنامه از خاندان آل اسحاق و کیابیان است. مصحح در انتهای کتاب، فهرست اعلام را به دو بخش تقسیم کرده و نمایه‌ی نام‌ها را از نمایه‌ی جای‌ها تفکیک نموده است.

ویژگی‌های کتاب تاریخ گیلان تصحیح افشین پرتو

در یک نگاه کلی می‌توان چند ویژگی بارز در این تصحیح یافت که کار مطالعه‌ی کتاب را برای کسانی که با زبان محلی گیلان (گیلکی) ناآشنا هستند

و حتی اطلاعات تاریخی و جغرافیایی چندانی نسبت به این خطه‌ی سرسبز ندارند، آسان می‌سازد.

۱- ارائه‌ی توضیحاتی درباره‌ی مکان‌های جغرافیایی در پاورقی: این کار در مورد مکان دقیق جغرافیایی این مناطق تصویر روشن‌تری به خواننده می‌دهد. مانند: پیربازار، بیجارپس، فومن، رشت و... .

۲- آوردن معنی واژه‌های دشوار و قدیمی در پاورقی: مصحح در صدد برآمده تا متنی که از تاریخ گیلان آماده می‌سازد، سلیس و روان باشد و با این روش، خواننده را تا حدودی از مراجعه و مطالعه‌ی فرهنگ‌های لغت بی‌نیاز می‌گرداند. چنانچه خود پرتو نیز در مقدمه به این موضوع اشاره دارد. (ص ۱۷).

۳- آوردن تصاویر و نقشه در پیوست کتاب: در این نقشه‌ها، بیه‌پس و بیه‌پیش و هم‌چنین مناطقی که در متن کتاب نام آن‌ها رفته است، مکان‌یابی شده‌اند. این کار، خواننده کتاب را به درک بهتری از مکان‌های اشاره شده در متن می‌رساند.

۴- آوردن شکل صحیح عبارات به کار رفته در متن: در متن افعالی وجود دارند که به شکل صحیح خود، به کار نرفته‌اند، مانند: رسانیدن، گردانیدن که باید به شکل صحیح فارسی «رساندن» و «گرداندن» به کار روند، هم‌چنین مکان‌های جغرافیایی که به عادت نویسندگان دوره‌های مختلف گیلان جمع تلفظ می‌شده‌اند. نظیر: دیلمانات و گیلانات، که به شکل صحیح «دیلمان» و «گیلان» آمده‌اند.

نتیجه

کتاب تاریخ گیلان عبدالفتاح فومنی گیلانی دربردارنده‌ی اطلاعاتی از وضعیت تاریخی و فرهنگی مردم گیلان در دوره‌ی صفویه است. افشین پرتو با تصحیح این اثر، منبعی ارزشمند از دوره‌ای از تاریخ گیلان را به شیوه‌ای متفاوت از دو تصحیح چاپ شده‌ی دیگر، معرفی کرده است. وفور نام‌های جغرافیایی موجود در این اثر، لزوم ارائه‌ی توضیحاتی درباره‌ی موقعیت مکانی آن‌ها را ایجاد می‌نمود. هم‌چنین عبارات غیر متعارف، اعم از فارسی، عربی و گیلکی، در این تصحیح، مورد اصلاح قرار گرفتند و همان‌طور که خود پرتو در مقدمه ادعا کرده، متنی روان و ساده را روبه‌روی خواننده قرار می‌دهد.

پی‌نوشت

۱. بندی، کیوان (۱۳۸۴)، سرزمین و مردم فومنات. رشت: نشر حق‌شناس، چاپ اول، ص ۳۴۱.
۲. شایسته، فریدون (۱۳۷۹). «جایگاه کتاب «تاریخ گیلان» اثر عبدالفتاح فومنی در مطالعات دوره صفوی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره‌ی ۲۸-۳۷، ص ۱۱۸.
۳. گروه پژوهشگران ایران (۱۳۷۴)، کتاب گیلان. چاپ اول، ج ۲، ص ۶۵۶.
۴. ملا عبدالفتاح فومنی (۱۳۴۹)، تاریخ گیلان. تصحیح منوچهر ستوده. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۲۰۴.
۵. کتاب گیلان، ص ۶۵۶.
۶. فومنی، ملا عبدالفتاح (۱۳۴۹)، تاریخ گیلان. تصحیح منوچهر ستوده، ص ۲۶۶.
۷. همان، ص ۲۳.
۸. ملا عبدالفتاح فومنی، نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۳۷۷، موجود در کتابخانه‌ی ملی ملک تهران، ص ۵.
۹. لیکران، بندری در کرانه‌ی باختری دریای کاسپین در تالش علیای جمهوری آذربایجان.
۱۰. حکام ناحیه‌ی بیه‌پس بودند. ناحیه‌ی بیه‌پس شامل نواحی فومن، کسنت، تولم، شفت و وززل بود. این خاندان نسب و ریشه‌ی خود را به اسحاق نبی می‌رسانند. فاخته جوینه، قربان (۱۳۸۳)، کرونولوژی تاریخ گیلان. رشت: نشر گیلکان، چاپ اول، ص ۶۸.